

۷۰۴



حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker-communist Party of Iran  
Hekmatist

جمعه ۲ تیر ۱۴۰۲ - ۲۳ ژوئن ۲۰۲۳

اعلامیه حزب حکمتیست

کارگران، بازنشستگان علیه تهاجم

ضد کارگری دولت پیاخیزیم!

در باره برنامه هفتم توسعه رژیم

اسلامی

با ارائه متن نهایی تنظیم شده برنامه هفتم توسعه رژیم جمهوری اسلامی به مجلس، برنامه‌های اقتصادی دولت رئیسی برای سال‌های اخیر روشن شده و در میان همه موارد آن بیشتر از هر چیزی، تعرض و هجوم همه جانبه آن به حقوق بازنشستگان و شاغلان از طریق فصل پنجم این برنامه بیش از پیش به چشم می‌آید. در این فصل که در رابطه با سیاست‌گذاری‌های مربوط به سن و سابقه بازنشستگی و صندوق‌های تامین اجتماعی و بازنشستگی تنظیم شده، رفته رفته بخش زیادی از حقوقی که پس از سال‌ها مبارزات جامعه در تاریخ معاصر دو رژیم پهلوی و جمهوری اسلامی مجبور به اعطای آن به طبقه کارگر و کل جامعه شدند، پس گرفته شده است.

موارد مورد هجوم قرار گرفته که عامل تضییع حقوق بازنشستگان و شاغلان ایران محسوب می‌شود، به شرح زیر است:

تجمیع و مصادره دولتی صندوق ها

۱- اقدام به تجمیع و ادغام تمام صندوق‌های بازنشستگی از تامین اجتماعی (صندوق کارگران بخش خصوصی) و صندوق بازنشستگان کشوری (صندوق کارگران کارمندان دولت) و صندوق‌های

صفحه ۲

”نه“ به اعدام!

سیاوش دانشور

صفحه ۳

اعلامیه حزب حکمتیست

علیه بند و بست دولتها با جمهوری اسلامی

در باره حمله پلیس آلبانی به محل استقرار مجاهدین

صفحه ۹

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

در رابطه با درگیری مسلحانه در اردوگاههای موسوم به زحمتکشان

صفحه ۵

فجایع بی آبی و مهاجرت از سیستان و بلوچستان

وریا روشنفکر

صفحه ۷

اعدام تبهکارانه هیمن مصطفایی

اعلامیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

صفحه ۸

نه روسری نه توسری؛ آزادی و برابری!

دانشگاه سنگر آزادی است!

امیرعسکری

صفحه ۹

در این جنگ کثیف شرکت نکنید.

صفوف این جریان را ترک کنید!

رحمان حسین زاده

صفحه ۶

دو واقعه دریایی در فاصله کمتر از دو هفته

سعید آرمان

صفحه ۱۰

یادداشتها، سیاوش دانشور - صفحه ۱۱

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست - حمله نظامی جمهوری اسلامی به کردستان را

شدیداً محکوم میکنیم - صفحه ۱۰

ستون اخبار کارگری و اعتراضات اجتماعی - تهیه و تنظیم: سپیده امیر عسکری و آرش کلهر - صفحه ۱۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## کارگران، بازنشستگان علیه تهاجم ضد کارگری دولت بپاخیزیم!

در باره برنامه هفتم توسعه رژیم اسلامی

سهام بیشتری را از دستمزد خود پرداخت کنند. همچنین کارفرمایان از تعهد بیمه کلیه کارگرانی که می‌خواهند بیش از ۳۰ سال کار کنند، معاف شده و مطابق با بند (ز) فصل پنج این برنامه، افرادی که می‌خواهند تا ۳۵ سال کار کنند، خود باید بدون تعهد کارفرما خود را بیمه کنند.

### دستکاری در سابقه کار و سنوات

۴- در بند (ژ) برنامه توسعه دولت جمهوری اسلامی، ملاک پرداخت حقوق بازنشستگی به جای دو سال آخر حقوق دوران اشتغال، میانگین ۵ سال آخر حقوق تعیین شده است. با این حربه زیرکانه بورژوازی، عملاً صندوق‌های بازنشستگی تنها متعهد به پرداخت ارزش ریالی پنج سال آخر آن هم به صورت میانگین حقوق می‌شوند. به این ترتیب، باوجود تورم فزاینده و افت شدید ارزش پول ایران، کارگران با میانگین حقوق بسیار کمتری بازنشست می‌شوند. به این ترتیب ارزش حقوق بازنشستگان جدید شاید نصف دوره‌های قبل خود شود.

### دور جدید خصوصی سازی ها

۵- همه صندوق‌های بازنشستگی و خود سازمان تامین اجتماعی در ازای بخش اندکی از بدهی دولت به آن‌ها، از دولت شرکت‌های (معمولاً زیان‌ده) دولتی دریافت کردند. این شرکت‌های زیرمجموعه صندوق‌ها مانند شرکت دخانیات، کل مجموعه عظیم شستا، مجموعه شرکت‌های صبا و صدها شرکت و کارخانه دیگر متعلق به صندوق‌ها هستند. دولت در این برنامه قرار است به بهانه جلوگیری از فساد، کلیه این شرکت‌ها را در بورس فروخته و خصوصی‌سازی کند و تنها سود سهام دولت از این شرکت‌ها (که قرار است ۸۰ درصد آن‌ها مدیران خصوصی داشته باشند) به صندوق‌های بازنشستگی داده شود. این درحالی است که با حساب این بندها، رسماً مجوز خصوصی‌سازی بانک رفاه کارگران به عنوان سرمایه شکل گرفته کارگران ایران که از اموال طبقه کارگر است، صادر شده است.

این حمله همه جانبه به حقوق بازنشستگان و کارگران شاغل (که بازنشستگان فردا هستند) عملاً یکی از بزرگترین تهاجم‌ها به حقوق طبقه کارگر و جامعه پس از تحولات بزرگی مثل اصلاحات ارضی محسوب می‌شود. تهاجمی که به جای مقاومت منفعلانه، تعرض بی‌امان طبقه کارگر و جامعه را به اهداف و مقاصد دولت سرمایه داری جمهوری اسلامی می‌طلبد.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست طبقه کارگر در بخشهای مختلف را به یک مقابله قدرتمند علیه روند جاری و ابطال طرح توسعه هفتم فرامیخواند. این حق بدیهی کارگران است که توسط نمایندگان منتخب شان بر صندوق‌های کارگری و بیمه و بازنشستگی و امور خود کنترل و نظارت داشته باشند. این اموال مال دولت نیست و دولت حق ندارد به آنها دست بزند. طرح کنونی، برنامه هفتم توسعه رژیم و فروش اموال جامعه توسط دولت به بخش باصلاح خصوصی که عمدتاً همان حکومتی‌ها در قالب شرکت‌های خصوصی اند، تحت عنوان "مولد سازی"، یکی از گسترده ترین حملات به سطح معیشت طبقه کارگر در متن یکدوره انقلابی است.

کارگران هنوز برسر دستمزدهای سال جاری در کشمکش اند که دور جدیدی از تعرض به سفره خالی و سطح معیشت آنها شروع شده است. این طرح ضد کارگری را باید توی صورت نویسندگانش کوبید. کارگران، بازنشستگان، علیه تهاجم همه جانبه دولت مرجع اسلامی بپاخیزیم!

مرگ بر جمهوری اسلامی

آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

۲ تیر ۱۴۰۲ - ۲۳ ژوئن ۲۰۲۳

خاص دیگر کارگران (صندوق بیمه اجتماعی روستاییان و کشاورزان، صندوق کارگران فولاد، صندوق کارگران نفت و...) و حتی صندوق نیروهای مسلح در یک صندوق واحد زیر نظر دولت جمع می‌شوند. به این ترتیب صندوق تامین اجتماعی که بزرگترین صندوق بازنشستگی کشور محسوب شده و از اموال تشکیل شده از کار کارگران بخش خصوصی است، همه با اموال مایملک آن به دولت واگذار می‌شود. دولت مالک این صندوق نیست و همه شرکت‌ها و خود این صندوق متعلق به کارگران است و صندوق درحالی دولتی می‌شود که خود دولت به صندوق بدهکار است. بدهی دولت به این صندوق‌ها که حاصل تحمیل سخت‌ترین تعهدها به این صندوق‌ها و استقراض غیرقانونی از طریق عدم تسویه تعهدات دولت است، بیش از ۲۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود و هنوز تسویه نشده است.

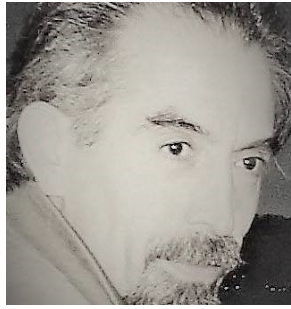
### افزایش سن بازنشستگی

۲- سن بازنشستگی در برنامه هفتم توسعه جمهوری اسلامی به افراطی‌ترین شکل ممکن در راستای اجرای سیاست‌های سرمایه‌داری آن هم با تبعیض در حق زنان کارگر افزایش یافته است. حداقل سن بازنشستگی مردان در طی یک برنامه زمان‌بندی شده قرار است از ۵۰ سال به ۵۶ سال افزایش یابد. این درحالی است که سن بازنشستگی زنان که همواره ۵ سال از مردان کمتر بوده، از ۴۵ سال به ۵۳ سال افزایش یافته که با این حساب سن بازنشستگی مردان شش سال و سن بازنشستگی زنان هشت سال افزایش یافته است. در مشاغل و فعالیت‌هایی که کارگران آن جزء مشاغل سخت و زیان‌آور حساب می‌شوند، سن بازنشستگی از ۴۵ سال برای مردان به ۵۰ سال و از ۴۰ سال برای زنان به ۴۵ سال افزایش پنج‌ساله پیش‌بینی شده است. به این ترتیب یکی از دست راستی‌ترین اصلاحات بازنشستگی که در کشور های سرمایه‌داری مرکز هم بی‌سابقه است، در این برنامه ۵ ساله اجرا خواهد شد. این درحالی است که ادعای دولت سرمایه‌داری این است که سن بازنشستگی به دلیل رشد بدهی‌ها باید افزایش یابد؛ بدهی‌هایی که دولت خود به اعتراف کارشناسان خودش، عامل اصلی ایجاد آن است!

### افزایش سهم بیمه کارگران

۳- درحالی که در بخش مالیات‌ها و بیمه بیشترین معافیت و بخشش مالیاتی و بخشش پرداخت بیمه برای کافرهایان (به اسم حمایت از تولید) صورت گرفته و از سوی دیگر دولت جمهوری اسلامی برای رفاه حال طبقه سرمایه‌دار واردات خودرو را در همین برنامه آزاد کرده است، بیشترین فشار در صندوق‌های بیمه‌ای و بازنشستگی از جیب طبقه کارگر پرداخت می‌شود. در مشاغل با حداقل دستمزد، سهم کارگران از پرداخت حق بیمه یک درصد افزایش و سهم دولت یک درصد کاهش یافته است. در مشاغلی که کارگران با حقوق بالای حداقل کار می‌کنند، سهم حق بیمه کارگران از ۷ درصد به ۹ درصد افزایش یافته و سهم کارفرمایان و دولت هرکدام یک درصد کاهش یافته است. به این ترتیب کارگران باز هم برای بازنشست شدن باید

مرگ بر جمهوری اسلامی!



نظام و مبانی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، حقوقی، قضائی و فرهنگی آن که بر خشونت استوار است مخالفیم. ما برای برپائی جامعه‌ای تلاش میکنیم که حیات انسانی حُرمت داشته باشد و فلسفه قانون در جامعه و در قلمرو قضا، نه نفی حیات انسانها بلکه بازسازی و برگشت به جامعه باشد.

## ”نه“ به اعدام!

سیاوش دانشور

اعدام تاریخا ابزار قدرتها، چه دولتی و چه غیر دولتی، برای ارباب و تسلیم مردم بوده است. اعدام یعنی طراحی و سازماندهی گرفتن جان فرد یا افرادی با قصد و نقشه آگاهانه و خونسردانه قبلی. گویاترین نام برای اعدام قتل عمد است. اینجا دیگر تفاوت ماهوی بین قتل عمد دولتی و غیر دولتی وجود ندارد. دولتها زیر پوشش کاذب ”نماینده‌ی جامعه“ و ”اجرای عدالت و قانون“ و ”شرایط جنگی“ و ”دفاع از میهن“ میکشند و نیروهای بخش خصوصی زیر پوشش ”نوامیس ملی و مذهبی“ و تعصبات و افسوسگرایی ایدئولوژیک و حتی ”انقلابی“! چه دولتی که از سر منافع ارتجاعی‌اش مخالفین را اعدام میکند، چه گروه اسلامی و تروریستی که برای انتقام اسپرش را اعدام میکند، و چه نیروئی که به اصطلاح ”اعدام انقلابی“ میکند، جملگی یک اقدام واحد را عملی میکنند؛ قتل عمد و نابودی کسی که در دستگاه ”عدالت“ دلبخواهی اینان ”مجازات اعدام“ دریافت کرده است! برای الغای مجازات اعدام باید بدو این عدالت دلبخواهی و من درآوردی از هرسو نقد و کوبیده شود. باید این فرض را به گُرسی نشانند که هیچکس، هیچ آحدی، به هر دلیلی، حق کشتن و گرفتن جان کسی را در مراسم شنیعی که نامش اعدام است ندارد. اعدام ممنوع است! اعدام تحت هیچ شرایطی مجاز و قابل توجیه نیست!

### در دفاع از حق حیات

وقتی به صحنه دنیا و میزان قتل و اعدام نگاه میکنید، میبینید برخلاف توجیهات رسمی که اعدام را ”روشی برای مصونیت جامعه از قاتلین و جنایتکاران“ میدانند، عمده اعدامها و گرفتن آگاهانه و عامدانه جان شهروندان به دلایل دیگری صورت میگیرد. به ”جرم“ آزاد بودن، تن ندادن به فعال‌مایشانی شوونیسم مردسالار، گردن نگذاشتن به آتوریت دولت و قدرت فائقه و یا مراجع مذهبی و عشیره ای و قومی. توجیه کلاسیک اعدام، یعنی روشی ”برای مقابله با جرم و جنایت“، پوچ است. توجیه قاتلین است. واقعیات و آمار جرم و جنایت نشان میدهد که این روش و توجیه سیاسی آن شکست خورده است. آمریکا نمونه گویائی است. حتی اگر این روش از نظر آماری مطلوبیت خود را هم نشان میداد، باز هم نباید تردیدی در مخالفت با نفس ”مجازات“ اعدام بخود راه میدادیم. نفس وجود اعدام و توجیه قانونی و دولتی آن توسط طبقات حاکم و نفس غیر حساس بودن به کشتن عامدانه مردم از جانب هر نیروی غیر دولتی، به معنی تأیید و پذیرش آگاهانه چرخه خشونت و آدمکشی در مغز استخوان مناسبات اجتماعی است. باید با اعدام علی‌الاصول مخالف بود، مهم نیست مجری آن دولت است یا نیروئی غیر دولتی. ما بعنوان کمونیست؛ هیچ کس، هیچ دولت، هیچ نیروی سیاسی، هیچ دستگاه مذهبی، هیچ نهاد و مرجعی را مجاز نمیدانیم که از گرفتن جان انسانها بعنوان یک ”حق“ استفاده کند یا حتی بطور ضمنی و تبصره ای از این ”حق“ برخوردار باشد. کمونیسم کارگری جنبشی برای سلب و الغای چنین حقوق نامشروعی است که بورژوازی و جنبشهای مختلف آن تاریخا برای خود قائل بوده‌اند. اگر باید بدو از حقی دفاع کرد حق حیات همگانی است. اعدام علیه حق حیات انسانها و ادامه منطقی سلب حق و آزادی در قلمروهای اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی است. اعدام پاسخ جامعه بورژوانی به معضلات و مسائلی است که خود خالق آن است. اعدام مرحله‌ای از یک چرخه اعمال خشونت دولتی و غیر دولتی علیه شهروندان است. ما با نفس این

و بالاخره باید به نیروهای مدافع اعدام و قاتلین حرفه‌ای هم نگاهی انداخت تا رابطه اعدام و قدرت و تقابل با جامعه روشنتر شود؛ جمهوری اسلامی، دولت آمریکا، دولت چین، شیلی دوره پینوشه، السالوادور، آرژانتین، بیشتر دولتهای نظامی آمریکای لاتین، دولتهای اسلامی، بلوک سرمایه‌داری دولتی سابق، دولتهای مرتجع و سرکوبگر در آفریقا که سابقه کشتارهای جمعی در پرونده‌شان ثبت است، یا گروههای نظامی در اپوزیسیون مانند جریانات متفرقه اسلامی که امروز در مقابل چشم جهان سر میبرند، گروههای نژادپرست و قومپرست، جریانات آوانتوریست و تروریست که با بمب گذاری و ترور در اسپانیا و ایرلند ”عدالت“ را در مورد مخالفین و مردم عادی به اجرا در می‌آورند! دنیای امروز، اگر قرار است برای آزادی عمل و آسایش و رفاه و حُرمت بشریت باشد، باید این سنت قِصاص متقابل را بدون استثنا پشت سر بگذارد. جامعه انسانی نیاز به اعدام ندارد. نه خوشبختی، نه آزادی و رفاه، نه حق به معنی فردی و اجتماعی با قتل مجرمین و مخالفین متحقق نمیشود. بشریت باید این دوره توحش را پشت سر بگذارد. در قرون وسطی با گیوتین میکشند امروز به اتاق گاز میفرستند، به دار میکشند، یا مانند اسلامیه در عراق و افغانستان و شمال آفریقا مثله میکنند، یا مانند گروههای قومپرست و ”نمایندگان“ خود گمارده مردم اعدام صحرائی میکنند!

### قلمرو خاکستری، اعدام جنایتکاران

یک توجیه عمومی اعدام، حتی در میان کسانی که مخالف اعدامهای سیاسی هستند، اینست که اعدام جنایتکاران که مرتکب قتل‌های متعدد و شنیع شدند فرق دارد. این قابل دفاع است و جامعه را مصون میکند! در پاسخ به این نوع استدلال باید تصریح کرد که این حرفه بدو و در مقیاس گسترده دولتی است نه غیر دولتی. عمده کسانی که در پرونده‌شان لیست طولی از آدمکشی ثبت است، در دولتها و پارلمانها و وزارتخانه‌ها و لویه‌جرگه‌ها و شورای نگهبانها نشسته‌اند. در بیرون دولتها عده‌ای از هم خانواده‌های اینها، جریاناتی که تفاوتی آرمانی و برنامه ای و سیاسی با این دولتها ندارند، در اپوزیسیون همین حرفه را دارند که از اینطریق سهم خود را از قدرت سیاسی و امتیازات اقتصادی و استثمار کارگران طلب میکنند. کمی آنطرف‌تر گروههای مخفی و افرادی را داریم که با همین نام یعنی ”قاتل حرفه‌ای“ استخدام میشوند و یا سفارشی را توسط گروه ثالثی اجرا میکنند. اینها ادامه سازمانهای رسمی دولتی و شبکه قدرت و مافیاهای اقتصادی و جاسوسی‌اند. موردی که میماند افرادی هستند که قتل سریال انجام میدهند. در دنیای واقعی و در قیاس با آمار قتل‌های دولتی و غیر دولتی آگاهانه، این افراد در ته جدول آدمکشی قرار میگیرند. علی‌القاعده اینها نباید از تعادل و سلامت روانی برخوردار باشند. برای مقابله با این معضل، کار اول اینست که امنیت جامعه را در مقابل اینگونه تهدیدات بالا برد. یعنی ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی جرم و جنایت را خشکاند. دوم، باید این افراد را بعنوان بیمار مداوا کرد و شانس بازگشت به یک زندگی نرمال را از آنها نگرفت. با اعدام هیچ مشکل جامعه حل نمیشود بلکه تشدید میگردد. ما اگر جامعه‌ای بسازیم که نیازهای مادی و معنوی شهروندان را پاسخ میدهد، و بجای روحیه حیوان‌گونه رقابت؛ عنصر همبستگی و تعاون

## ”نه“ به اعدام!

### سیاوش دانشور

و نوعدوستی را مبنای جامعه و به فرهنگ اجتماعی تبدیل کند، آنوقت جرائم و خشونت و قتل به حداقل ممکن میرسد. چون زمینه مادی و اجتماعی آن از بین رفته است. در هر جامعه‌ای و در هر سیستم علمی استثنا وجود دارد و ضرورتاً این استثناها قابل تعمیم به روندها و اصول بنیادی نیستند. اگر در حکومت کارگری و جمهوری سوسیالیستی فردا عده‌ای از اینگونه افراد داشتیم تلاش میکنیم با استفاده از آخرین دستاوردها و متدهای علمی راه بازگشت به زندگی متعارف و مفید بودن بعنوان یک عنصر اجتماعی را باز نگاهداریم. تجارب دنیای امروز، حتی در چهارچوب سرمایه‌داری که اساس تبعیض و نابرابری و کار مزدی و زمینه جنایت و قساوت را دست نمیزند، نشان میدهد که اعدام پاسخ هیچ مشکلی نیست. فقط روحیه انتقام و ”خون در مقابل خون“ قرون وسطی را زنده نگه میدارد و بازتولید میکند. اعدام باید فوراً و بدون هیچ تبصره‌ای لغو گردد!

### حبس ابد، برخورد با آسرا

الغای ”مجازات“ اعدام برای یک جامعه آزاد کافی نیست. همراه با لغو ”مجازات“ اعدام، حبس ابد به معنی رایج آن در کشورهایمانند ایران باید لغو شود. نگهداشتن یک فرد یا تعدادی مجرم و جنایتکار برای تمام عمر پشت میله‌های زندان، مدالی به سینه عدالت در یک جامعه آزاد نمیزند. حبس ابد تا اعدام فاصله‌ای ندارد. حکومت کارگری باید حبس ابد را هم لغو کند.

در مورد برخورد با آسرا جنبش آزادیخواهی و سوسیالیستی باید پرنسیپ‌هایش روشن و اعلام شده باشد. جنگ قانون خودش را دارد. در یک جنگ ممکن است از طرفین کشته شود. اما وقتی کسی در جنگ اسیر میشود، کشتن اسیر یعنی اعدام. اگر کسی و نیروئی نمیتواند اسیر طرف مقابل را نگهدارد نباید اسیر کند و اگر اسیر میکند حق شکنجه و آزار جسمی و روانی و اعدام را ندارد. هیچ تبصره‌ای مانند ”دوره جنگ و شرایط متفاوت“ قابل قبول نیست. با اسیر در بدترین حالت باید طبق قوانین بین‌المللی آسرای جنگی رفتار کرد. امروز مردم هنوز در حال جنگ با جمهوری اسلامی‌اند. روشن است این جدال به احتمال زیاد اشکال متنوعی بخود میبازد. اما این یک جنگ است و فرق هست با وقتی که یک نیروی درگیر کسی را اسیر میکند. ما مجاز نیستیم وقتی از طرف مقابل کسی را به اسارت درمیآوریم با او هر رفتاری از جمله تعرض فیزیکی کنیم و یا به فوران احساسات در مقابل اصولمان مجال بروز دهیم. ما با آسرا طبق قوانین بین‌المللی آسرای جنگی رفتار خواهیم کرد. حکومت کارگری مخالف مجازات اعدام و هر نوع مجازاتی است که به جسم افراد تعرض میکند. ما همراه با نفی اعدام و حبس ابد، هر نوع شکنجه و آزار بدنی را ممنوع اعلام میکنیم. ما کشتن آسرای جنگی را غیر قابل توجیه میدانیم و چنین عملی را اجرای ”مجازات“ اعدام تلقی میکنیم.

### برخورد با سران رژیم اسلامی

چندین سال پیش در بیانیه یک جریان مائوئیستی، که مدعی تشکیل ”گروه‌های ضربت“ در داخل کشور بود، نوشته بود که مردم ایران چوبه‌های دار را آماده کرده‌اند! تمام آخوندها را با عمامه‌هایشان اعدام انقلابی میکنند! منشا این نفرت کجاست؟ تفاوت اینها با خود رژیم اسلامی

چیست؟ میدانم یکی مائوئیست است و یکی مسلمان، اما روش برخوردشان یکی است. ”عدالت“ در قاموس‌شان یکی است و به اعدام ختم میشود. باید خوشحال باشیم که چنین افکار مریضی جایی در یک قصبچه هم ندارد تا چه رسد به جامعه. تردیدی نیست که سران جمهوری اسلامی میلیونها شاکی خصوصی دارند. کسانی که عزیزانشان توسط اینها اعدام شدند و حتی آدرس قبرشان را هم نمیدانند کم نیستند. با این موضوع چگونه باید برخورد کرد؟ پاسخ این مردم زخم دیده را چگونه باید داد؟

من یکی از این مردم هستم. من هم شاکی خصوصی سران رژیم و افراد معینی هستم. من هم بهترین دوستان و هم‌زمان و عزیزانم را جمهوری اسلامی در مسجد و حسینیه زندان و میدان تیر اعدام کرده است. بحث الغای ”مجازات“ اعدام نه بحث بخشش سران رژیم یا هر جنایتکاری است، نه بحث سازش با آنها، و نه بحث پایان مقابله و جنگ با سرمایه و حکومت مرتجع اسلامی. خیر، این رژیم باید توسط نیروی مردم و انقلاب کارگری سرنگون شود. این رژیم تلاش میکند سرپا بماند و برای اینکار تا روز آخر دست به جنایت میزند. تردیدی نیست که باید با قدرت در جنگ با جمهوری اسلامی پیروز شد. نه فقط باید رژیم اسلامی را بعنوان یک رژیم سرکوبگر و بانی قتل عام و کشتار جمعی شهروندان و زندانیان سیاسی سرنگون کرد، بلکه باید سران حکومت و دست اندرکاران جنایت را در یک دادگاه علنی در مقابل چشم دنیا محاکمه کرد. اینان دادگاهی و مجازات خواهند شد نه بخاطر عقایدشان بلکه دقیقاً بخاطر قتل مردم بیگناه، بخاطر جنایت علیه مردم سیویل. در این دادگاهها که باید گوشه‌ای از عدالت فردای سوسیالیستی و کارگری را بنمایش بگذارند، شاکیان فرصت کافی برای اقامه دعوی خواهند داشت و متقابلاً باید متهمین پرده از جنایاتشان بردارند. جامعه باید حقیقت را بداند تا بتواند از آن عبور کند. هدف نه محاکمه و به روی دار فرستادن قاتلین، بلکه عبور جامعه از یک دوران وحشت و بستن آن و باز کردن فصل جدیدی از مناسبات اجتماعی و حقوقی و سیاسی در جامعه است.

حکومت کارگری و جمهوری سوسیالیستی بعنوان یک دولت آزاد و پیشرو، مبنای فلسفه قانون و امر قضا را به بازماندگان قربانیان و احساسات احتمالی انتقامجویانه واگذار نمیکند. چون در چنین صورتی، یعنی قضاوت و اجرای ”عدالت“ براساس عواطف و زخمهای قربانیان، راه دیگری جز انتقام و تداوم دور جدیدی از آدمکشی نضج نمیگیرد. اتفاقاً در میان همین کسانی که عزیزانشان را جمهوری اسلامی اعدام کرده است پرچم لغو اعدام برافراشته‌تر است. زندانیان سیاسی سابق، خانواده‌های اعدامی‌ها، اپوزیسیون پیشرو و کمونیست کارگری، و هر کسی که باز زندان سیاسی و شکنجه و اعدام فی‌الذات مخالف است، خواهان لغو ”مجازات“ اعدام هستند. عدالت باید اجرا شود و اجرای عدالت تنها زمانی ممکن است که فردا کسی به هیچ دلیلی اعدام نشود. عدالت، اعدام زندگان بخاطر عزیزان از دست رفته نیست. اسم این انتقام است. عدالت در اینمورد مشخص یعنی برسمیت شناسی حق مجرمین و جانبداری مادی و معنوی جامعه از بازماندگان قربانیان و کشف و ثبت حقیقت است. قاتلین قطعاً باید مجازات شوند اما این مجازات اعدام نیست. اگر اعدام و قتل عزیزان ما بد است، ترازدی است، قابل فراموشی نیست، اعدام قاتل نیز توجیه اخلاقی و سیاسی و قضائی محکمه پسند و آزادیخواهانه‌ای ندارد. فکر میکنم روزی که ما در گوشه گوشه ایران به یاد عزیزانمان بیانیه‌های پرشور در نفی اعدام و اختناق و زندان میخوانیم، روزی که در مراسمهای پرشکوه گرامیداشت زندانیان و قربانیان رژیم اسلامی اعلام

## ”نه“ به اعدام!

### سیاوش دانشور

میکنیم؛ حکومت کارگری مجازات اعدام را لغو میکند و از این تاریخ هیچ کسی بخاطر ابراز عقایدش مورد تهدید قرار نمیگیرد و جامعه و قانون علیه تهدید فیزیکی شهروندان مسنول است، امروز بهترین گرامیداشت را برای عزیزانمان که هدفشان آزادی و برابری بود بجا آورده ایم.

#### بسوی آینده آزاد!

کمونیسم کارگری، جنبش برای آزادی و برابری و رفاه، جنبشی برای ساختن آینده، جنبشی برای بهبود هر روزه و جنبشی برای تغییر رادیکال و ریشه‌ای جهان است. ما باید آینده را بنا کنیم و در این مسیر و در چهارچوب نظام موجود بیشترین پیشرویها را کسب کنیم. ما مخالفین مجازات اعدام تاریخ نویی را آغاز خواهیم کرد! ما چوبه‌های دار و تکنولوژی "مدرن" قتل و شکنجه را بعنوان ابزار توحش بورژوازی علیه مردم به موزه منتقل می‌کنیم! عکسهای جانین و سابقه جنایت‌شان را در آلبومها گرد می‌آوریم و در تاریخ ثبت می‌کنیم که زمانی این دولتها و این سیاستمداران با این دستگاهها آدم می‌کشند! باشکوه‌ترین همبستگی معنوی جامعه را با قربانیان و بازماندگان نشان بنمایش خواهیم گذاشت! اعلام می‌کنیم که جامعه بشری و آزاد ما عمیقاً درک میکند که درد از دست دادن برادر، خواهر، فرزند، همسر، معشوقه، پدر، مادر، یا هر عزیز دیگری تا چه حد سخت و فراموش نشدنی است! اما ما میخواهیم این پرونده و این تاریخ خونین را ببندیم! ما میخواهیم از این دوران وحشت عبور کنیم! باید از این دور تسلسل باطل جنایت و کشتار و انتقام و خونخواهی عبور کرد! باید آینده را ساخت! آینده ای خوشبخت و بدور از معیارهای "عدالتخواهی" قرون وسطی و بورژوازی! اعلام می‌کنیم جامعه به قربانیان و بازماندگان با دیده احترام و همبستگی نگاه میکند و هدفش را نه "خونخواهی و قصاص" بلکه تلاش برای ممانعت از تکرار چنین فجایعی در آینده از طرق نابود ساختن و ریشه کن کردن زمینه های جرم و جنایت قرار داده است! اعلام می‌کنیم مردم ایران با پرچم لغو "مجازات" اعدام بعد از پیروزی بر رژیم جنایتکار اسلامی، قلب و دوستی میلیاردها مردم شریف جهان را با خود خواهند داشت! ما با اعلام لغو مجازات اعدام نقطه پایانی به چرخه خشونت و تنفر می‌گذاریم! اعلام می‌کنیم همراه با سقوط دولت بورژواها و درهم کوبیده شده ماشین سرکوب‌شان، همراه با خلعید سیاسی و اقتصادی از طبقه حاکم، قوانین کهنه منتج از فرهنگ و باور آنها از جمله اعدام منسوخ میشود! در سالروز ۱۰ اکتبر، برای برجیدن ماشین قتل عمد دولتی، لغو فوری احکام اعدام صادر شده و آزادی بیقید و شرط کلیه زندانیان سیاسی تلاشمان را گسترش دهیم.

\*\*\*

### اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

#### در رابطه با درگیری مسلحانه در اردوگاههای موسوم به زحمتکشان

روز پنجشنبه ۲۲ ژوئن طی درگیری مسلحانه ای که بین دو شاخه سازمان زحمتکشان، مستقر در اقلیم کردستان روی داد دو جوان به نامهای سامان ابراهیمی و هیوا صادقی کشته شدند و طبق خبر رسیده یک نفر دیگر هم زخمی شده است . اتحاد و جدایی مکرر این جریانات امر نا شناخته ای نیست. بده وبستانهای منطقه ای هراز چندگاهی ایجاب کرده که اتحاد بین این جریانات صورت بگیرد. مدت زیادی از خبر ترور و سر به نیست کردن و خودکشی چندین نفر دیگر از اعضای این جریانات نگذشته، که امروز شاهد این درگیری مسلحانه هستیم.

تاریخ جریان عبدالله مهدی مملو از این فجایع، توطئه و سرکوب است. ما هیچیک از این شاخه های منتسب به زحمتکشان را در رده احزاب یا سازمان سیاسی که اختلافات مابین خود را به شیوه سیاسی و متمدنانه حل میکنند برسمیت نمیشناسیم و قرائن و شواهد تاکتونی گواهی بر صحت این نظر بوده است .

ما اما به اعضا و جوانانی که در صفوف این دو جریان فعالیت میکنند اکیدا توصیه می‌کنیم در این جنگ قدرت رهبران و طرح کشتن همسنگرهای تا دیروزشان شرکت نکنند و بازیچه امیال و پروژه های رهبران قدرت طلب این جریانات قرار نگیرند. این جنگ و کشمکش بی ارتباط با سیاست و مبارزه، جنگ شما نیست. راه دیگری برای ادامه یک زندگی شرافتمندانه ممکن و میسر است.

صفوف این چند جریان فاقد پرنسیپ مبارزاتی و انسانی را ترک کنید و اجازه ندهید از شما به مثابه گوشت دم توپ جنگ قدرت رهبری و جاه طلبی های حقیرانه خود استفاده کنند. رهبری جریان مهدی با طرح ترور رهبران کمونیست، با اتحاد و همکاری با رضا پهلوی و با قبول مذاکره با نمایندگان دست چندم جمهوری اسلامی تاریخ سیاهی را در کارنامه فعالیت تا کنونی خود ثبت کرده اند.

کشته شدن این دو جوان در درگیری مسلحانه نه اولین و نه آخرین فاجعه از این دست در این سازمان خواهد بود. جدا کردن راه خود از مسیری که رهبری این جریانات انتخاب کرده اند تنها راه منطقی برای هر عضوی از این دارودسته است. جریان زحمتکشان با هر پسوند و پیشوندی هیچ ربطی به مبارزه برحق مردم معترض و آزادیخواه در جامعه کردستان، علیه جمهوری اسلامی ندارد.

عبدالله مهدی و دیگر سران این باند، باید بجرم قتل و ترور مخالفین خود از جمله سامان ابراهیمی و هیوا صادقی محاکمه شوند .

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

23 ژوئن 2023

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!

## علیه بند و بست دولتها با جمهوری اسلامی در باره حمله پلیس آلبانی به محل استقرار مجاهدین

بامداد امروز ۲۰ ژوئن، در سالروز ۳۰ خرداد، پلیس دولت آلبانی به محل استقرار نیروهای سازمان مجاهدین خلق حمله کرد. طی این حمله به ضرب و شتم افراد، تخریب اماکن، بازرسی کامپیوترها و وسائل پرداختند و سیستمهای ارتباطی موجود در محل را با خود برده اند. بنا به خبر مجاهدین در این حمله یک نفر بنام "علی مستشاری" - عبدالوهاب فرجی نژاد- کشته شده است و قریب ۱۰۰ مسموم بر اثر گاز فلفل به بیمارستان منتقل شدند.

ساعاتی قبل از اقدام امروز در تیرانا، دولت فرانسه از دادن اجازه گردهمایی سالبانه مجاهدین در پاریس ممانعت کرد. سه هفته قبل نیز در پاریس به یکی از اماکن مجاهدین مسلحانه حمله شد که تاکنون کسی در این رابطه دستگیر نشده است. این اقدامات علیه مجاهدین ادامه حمله جمهوری اسلامی به نیروهای اپوزیسیون مستقر در کردستان عراق، ادامه مبادله زندانیان توسط دول اروپائی و آمریکا با رژیم اسلامی و تحویل تروریست هایی مانند اسداله اسدی و آزاد کردن پولهای بلوکه شده رژیم است. تردیدی وجود ندارد که این مجموعه اقدام "میوه" مذاکرات و بند و بست دول اروپائی و آمریکا با جمهوری اسلامی است. قطعاً تلاش خواهند کرد در ادامه محدودیتهای بیشتری بر فعالیت و امنیت نیروهای اپوزیسیون تحمیل کنند.

مستقل از بهانه و توجیه دولتها، این سیاستها از یک بند و بست عریان دول غربی با جمهوری اسلامی علیه مخالفین سیاسی و نیروهای اپوزیسیون سخن میگویند و ضروری است با آن یکپارچه مقابله شود. هدف این سیاستها تنگ کردن فضای اپوزیسیون و فعالیت بر علیه حکومت، ناامن کردن و تروریزه کردن محیط فعالیت نیروهای مختلف اپوزیسیون است. نیروها و جریانات مختلف اپوزیسیون ایران، مستقل از دوری و نزدیکی شان با سازمانهایی که مورد هجوم قرار گرفتند، ضروری است به این تلاشهای ارتجاعی واکنش نشان دهند و آنرا قاطعانه و بدون تردید محکوم کنند.

جریانات بورژوائی اپوزیسیون که اساس استراتژی سیاسی و امیدشان را به حمایت دولتها و لابی در پارلمانها گره زدند، امروز بسان ورشکستگی میمانند که از هرسو رانده شدند. آنها در وحشت از امواج انقلابی به کسانی دخیل بستند که امروز در کنار جمهوری اسلامی جام توافق شان را سر می کشند. این نیروها خط شان همین است اما در قبال توهم پراکنی در جامعه مسئولند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بند و بست دولتهای متفرقه با جمهوری اسلامی را تقبیح و قویاً محکوم میکند. بعنوان یک نیروی انقلابی و کمونیست ما علیه هر سیاستی هستیم که به رژیم اسلامی خدمت میکند. اما این بند و بست ها نه میتواند مایه دلگرمی جمهوری اسلامی باشد و نه کمترین تأثیری در تداوم مقابله رادیکال با حکومت در داخل و خارج کشور خواهد داشت. سرنوشت رژیم اسلامی در داخل کشور، در تقابل جنبش انقلابی و کارگری با حاکمیت فقر و فساد و استبداد تعیین خواهد شد.

مرگ بر جمهوری اسلامی  
آزادی، برابری، حکومت کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست  
۳۰ خرداد ۱۴۰۲ - ۲۰ ژوئن ۲۰۲۳



جریانی که به ناحق عنوان یک جریان چپ در کردستان را یدک میکشد، دلسوزانه باید گفت:

در این جنگ کثیف شرکت نکنید. چشم و گوشتان را باز کنید و قبول کنید این یک جریان سیاسی نیست، سالم نیست، بلکه یک جریان باند سیاهی است. بیدرنگ صفوف این باند توطئه گر و ضد مردمی را از هر دو طرف ترک کنید. مسیر زندگی سیاسی و اجتماعی سالمی را انتخاب کنید. بگذارید مهندسی و کعبی و ایلخانی زاده منزوی و تنها بمانند و بیش از پیش رسوا شوند.

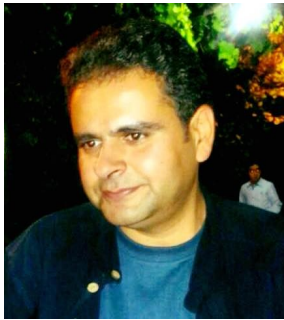
۲۲ - ۶ - ۲۰۲۳

### در این جنگ کثیف شرکت نکنید.

صفوف این جریان را ترک کنید!

رحمان حسین زاده

خبر حاکی است، در جنگ و درگیری درونی جریان بدنام تحت مسئولیت مهندسی، ایلخانی زاده، کعبی، متاسفانه دو عضو مسلح آنها، دو انسان جوان جانباخته اند. فرد دیگری به سختی زخمی است. نگران کننده تر اینکه جنگ و درگیری ادامه دارد. احتمال دارد بر تلفات انسانی افزوده شود. تنها راه موثر جلوگیری از مرگ و زخمی شدن و تلفات انسانی بیشتر در دست خود اعضای مسلح این جریان از هر دو طرف درگیری است. خطاب به جوانان و انسانهایی که با توهم فعالیت در صفوف



های جدید، بسیار پرهزینه خواهد بود. در ایران کمبود آب یکی از عوامل محدود کننده اصلی توسعه فعالیت های اقتصادی هم اکنون و در دهه های آینده به شمار می رود. منطقه سیستان و بلوچستان به علت نوسانات شدید آب هیرمند، با منشاء طبیعی یا انسانی، به صورت دوره ای با بحران آب مواجه بوده که اینک به شکل خشکسالی نمایان شده است. در طول

بیست سال سیستان و بلوچستان، بخصوص بخش شمالی آن گرفتار شدیدترین نوع خشکسالی بوده است. اگرچه در برخی از برهه ها سیلاب هایی از کشور افغانستان به سمت سیستان روانه می شد و کام تشنه هامون نشینان را تر می کرد، اما در سال های اخیر همین سیلاب ها هم به سرابی دور از ذهن تبدیل شد.

با آغاز آبیگری بند کمال خان در افغانستان که بر روی رودخانه هیرمند احداث شده بود، دیگر عملاً سیلاب از این کشور به سمت جمهوری اسلامی ایران وارد نمی شود و سیستان از اواخر سال گذشته خشک ترین شرایط را تجربه می کند.

محمد سرگزی، رئیس مجمع نمایندگان سیستان و بلوچستان در این زمینه بیان کرد: در گذشته بادهای ۱۲۰ روزه سیستان نعمتی بزرگ برای اهالی سیستان و بلوچستان محسوب می شد، اما امروز در سایه بحران بی آبی تبدیل به معضل جدی شده که با خود مهاجرت را به همراه داشته است. طبق بررسی های صورت گرفته سیستان تا چندماه دیگر آب نخواهد داشت و براساس همین پیش بینی حدود نیمی از جمعیت زاهدان و نیمی از مردم سیستان با مشکل بی آبی روبرو خواهند شد. سرگزی ادامه داد: تنها ذخیره آب آنها چاه نیمه هاست که آنها هم در حال خشک شدن هستند و هیچ گونه منابع آبی برای تامین آب شرب وجود ندارد و این کمبودها خبر از یک مهاجرت بزرگ دیگر از سیستان می دهد.

وی گفت: جمعیت سیستان در دهه ۵۰ قریب به ۵۰۰ هزار نفر بود، بعد از گذشت نزدیک به نیم قرن جمعیت سیستان به کمتر از ۴۰۰ هزار نفر رسیده است، دلایل متعددی از قبیل خشکسالی، بی آبی، از بین رفتن کشاورزی، عدم امکانات، هجوم ریزگردها و بادهای غبار آلود ۱۲۰ روزه و... مردم این خطه را مجبور به مهاجرت کرده است.

استان سیستان و بلوچستان به لحاظ وسعت جغرافیایی با بیش از ۱۱ درصد از مساحت کشور، بعد از استان کرمان دومین استان پهناور کشور است. میانگین سالانه بارش استان از میانگین کشوری کمتر است و پوشش گیاهی بسیار تنگی دارد. بیشتر نقاط این استان، آب و هوای گرم و خشک دارد و سال هاست از کم آبی رنج می برد، میزان بارندگی در این استان از ۴۴ میلی متر در میرجاوه تا ۱۶۸ میلی متر در نیکشهر متفاوت است. این استان حدود ۳۷۰ کیلومتر مرز آبی در کرانه شمالی دریای عمان دارد و به رغم برخورداری از جاذبه های گردشگری بسیار متنوع طبیعی، صنایع دستی سنتی، نتوانسته است به عنوان یکی از قطب های گردشگری در کشور مطرح شود.

بی آبی در سیستان و بلوچستان، دامپروری، کشاورزی و صیادی روستاییان را نابود کرده و زندگی آنها را با شرایط عجیبی

## فجای بی آبی و مهاجرت از سیستان و

### بلوچستان

#### وریا روشنگر

آن چه درپائین آمده است، قسمتی از یک رمان نیست گزارشی میدانیست از وضعیت فاجعه بار امروز بخشی از سیستان و بلوچستان که توسط یک روزنامه نگارپخش شده است.

زندگی در سیستان و بلوچستان آخر الزمانی است! اینجا در نوار مرزی ایران و افغانستان؛ ملک قیمتی ندارد و خانه های بدون مشتری زیادی متروکه شده است. مزارع و باغها بدون قطره ای آب خشکیده و خریداری ندارند و بی آبی گاو و گوسفندان را تلف کرده است. کشاورزان می گویند نزدیک به سه سال است که حتی یک بوته عدس نکاشته اند اما دولت خسارت طرح "نکاشت" را به کشاورزان پرداخت نکرده است.

افغانستان آب را بطور کامل روی سیستان قطع کرده و مرزنشینان تمام دار و ندارشان را به بحران آب باخته اند. حالا منبع درآمد بسیاری از آنها تنها یارانه ماهانه ۳۰۰ هزار تومانی است که حدود ۶ دلار می شود و زندگی با آن نمی چرخد. چهره های تکیده، دهان های بی دندان و لباس های مندرس گواه وضعیت معاش مرزنشینان سیستانی است. در قرقری و تخت شاه قایق های به گل نشسته و وارونه کنار تابلوهای «شنا ممنوع» دیده می شوند اما از اسکله تنها لاستیک های سیاه لنگرگاه به جا مانده و برهوتی با خاک ترک خورده و شور. در حوالی هامون نام خانوادگی بیشتر روستانشینان صیاد و صیادی است اما از پیشینه اجدادی، تنها تورهای صیادی آویزان به دیوارها مانده که زیر نور آفتاب پوسیده اند.

صحنه ها در سیستان آخر الزمانی است. خورشید مثل آتش گداخته جهنم است و تا چشم کار می کند برهوت است و برهوت. لایه های ضخیم نمک بر خاک کنار جاده برق کورکننده ای دارد. خاک مثل مرده ای کف به لب آورده است. در جاده، گردباد روزه می کشد و شن های روان را پیچ و تاب خوران به هوا می برد. حسن شهدادی، معلم زابلی می گوید جاده تا صدمتری کور است و اهالی می گویند طوفان شن و نمک باعث شیوع آسم در منطقه شده است.

موج مهاجرت آدمها و مشاغل سبب شده که گاهی اهالی برای خرید یک نان ساده پنجاه دقیقه در گرمای چهل درجه پیاده روی کنند و اولین سلمانی یا بقالی سی تا چهل کیلومتر با آنها فاصله داشته باشد. فروشگاه لوازم خانگی یا کتابفروشی که وجود خارجی ندارد! مالک یک دفتر معاملات مسکن در زابل می گوید "در مقابل هر ۷۰ درخواست فروش، تنها دو درخواست خرید داریم و مردم دسته دسته در حال مهاجرت هستند."

\*\*\*\*\*

آب، نبض حیات در کره خاکی است. بحران آب، یکی از بزرگ ترین چالش های عصر حاضر است که می تواند علت بسیاری از تحولات اسفبارجهان باشد. فقدان و کمبود منابع آبی، به عنوان یک عامل اثرگذار می تواند سد راه توسعه کشورها شود و در نتیجه ایجاد ظرفیت

## فجایع بی آبی و مهاجرت از سیستان و

### بلوچستان

#### وریا روشنفر

مواجه کرده است. هیچ ذخیره آبی وجود ندارد و تنها انبوهی خاک، زمین‌های کشاورزی فرسود و ساکنانی که از ۱۰۰ به ۱۰ و از ۱۰ به یک رسیده‌اند. در جنوب استان سیستان و بلوچستان که آن را بلوچستان می‌خوانند، دیگر قطره‌ای آب در زیر زمین نیست، بارانی نمی‌بارد و روستاها نه آب برای کشاورزی دارند، نه آب برای خوردن.

\*\*\*\*\*

مهندسی آن فاجعه بار است، در این مورد بخصوص اولاً توجه به اینکه سیستان - بلوچستان یک زمان قطب کشت محصولات غله ای بوده و اکنون خود نیز به یک مصرف کننده تبدیل گشته یک سوی قضیه است، جایجایی جمعیتی در سطح وسیع در حالی که نه امکان تأمین امکانات زندگی نظیر مسکن، آموزش، بهداشت برای آنها ممکن است، باعث افزایش فقر، بیکاری، رشد حاشیه نشینی، ناهنجاری، درکل شیفت مهاجرت از یک نقطه به نقطه دیگر بصورت دومینه ای میگردد. واقعیت این است تا این حکومت بر سرکار باشد، ما فاجعه در پی فاجعه داریم، مردم باید بدانند هر چه عمر این سیستم طولانی تر باشد، عمق فجایع بیشتر و حل آن در آینده دشوار تر خواهد بود.

## اعدام تبهکارانه هیمن مصطفایی

### اعلامیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

سحرگاه امروز چهارشنبه ۳۰ خرداد جنایتکاران جمهوری اسلامی بار دیگر با سبعیت کامل جان انسان دیگری را برای ایجاد رعب و وحشت در جامعه گرفتند.

هیمن را بعد از ۱۰ سال تحمل حبس و زندان امروز به دار آویختند. جمهوری زخم خورده اسلامی برای عقب نشانیدن جامعه لبریز از تنفر و اعتراض، به کشتار و گسترش فضای رعب و وحشت احتیاج دارد.

اما تمام سران این ماشین کشتار میدانند که ورق برگشته است و با به قتل رساندن جوانان و مردم بی‌پاخاسته نه تنها نمی‌توانند

روند سرنگونی خود را به عقب برگردانند، بلکه پرونده جرم و جنایات خود را سنگینتر میکند.

جمهوری سرکوب و اعدام اسلامی که مدام در مقابل غرب و کشورهای منطقه در حال نرمش قهرمانانه و سر کشیدن جامزهر است، با استفاده از این تجدید روابط با دولت های سرمایه داری و ضد مردمی در غرب و منطقه، فرصتی پیدا کرده است تا به صف مردم آزادیخواه و مخالفین خود در داخل و خارج یورش ببرد. اما امروز آشکارا میبینیم عمر این رژیم سفاک کوتاه و کوتاه تر میشود! رژیم هار اسلامی باید برود، این حکم میلیونی جامعه متحول و معترض ایران است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست خود را شریک درد و غم خانواده و بستگان، دوستان و هم‌زمان هیمن میدانند و به آنها تسلیت می‌گوید. ما همچنین به مردم مبارز مریوان و سندج که با تجمع و اعتراض خود کوشیدند هیمن را از چنگال جنایتکاران در بیاورند درود می‌فرستیم و دست‌شان را به گرمی می‌فشاریم. یقیناً همین سنت اعتراض و تجمع در ابعاد میلیونی و سراسری اسلحه ما برای بگور سپردن این رژیم آدمکش است.

مرگ بر جمهوری اسلامی

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۳۱ خرداد ۱۴۰۲

۲۱ ژوئن ۲۰۲۳

حکومت اکنون حیات مردم سیستان، بلوچستان را به حق آبه سد کمال خان گره زده است شواف های نمایشی مقامات حکومتی، و وعده وعیدها جهت حل این فاجعه تاکنون هیچ سودی نداشته، برای نمونه نماینده خاشدر مجلس، اسماعیل حسین‌زهی با اشاره به این که دستور ابراهیم رئیسی برای پیگیری حق آبه ایران تا کنون هیچ نتیجه مشخصی در عمل نداشته به خبرگزاری تسنیم گفته است: «وقتی دستوری صادر می‌شود که قابلیت اجرا ندارد، مردم منطقه را بیش از پیش نسبت به حل و فصل تنش آبی در سیستان سرخورده می‌کند.»

حسین‌زهی افزوده است: «در سنوات گذشته پروتکلی بین دولت ایران و افغانستان امضا شده بود تا حق آبه ایران از مبدأ کشور افغانستان جاری شود اما متأسفانه این پروتکل از سوی طرف افغان نه در آن دوره و نه پس از قدرت گرفتن طالبان اجرایی نشده است.»

جمهوری اسلامی، نظامی فشل و ناکارآمد است، سیستمی که تعهد را به معنی وفاداری به ئیدولوژی حاکم بر تخصص و علم ارجح دانست، افراد نالایق و فاسد را در تمامی مناسب قرار داد، و در طی زمان حکومتش در هر عرصه ای بحران و فاجعه آفرید. عدم داشتن راه حل برای مشکلات و تعریف کشور داری به مصائب یک سیستم تمام پلیسی و سرکوبگر، فاسد و رانتی، اکنون بحرانهای آفریده که اگر واقع بینانه به آنها نگریست هر کدام یک فاجعه است، که بعضاً غیر قابل جبران است.

بحث محیط زیست بطور عام یک معضل جهانی ست، و آب در کنار هوای سالم و غذا استراژیک ترین نیاز برای ادامه حیات بشر است، با نگاهی به کشورهای همسایه ایران نظیر عربستان و دبی که از نظر جغرافیایی در منطقه گرم و خشک جهان قرار دارند و امروز چه از نظر تأمین آب و چه از نظر سرانه محیط زیست به هیچ عنوان قابل قیاس با ایران نیستند، حتی طالبان بعنوان یک سیستم بدویی به مراتب از جمهوری اسلامی بهتر عمل میکند، در سالهای اخیر امنیتی کردن مسئله محیط زیست، ارائه آمارهای نادرست، انکار فجایع محیط زیستی و دستگیری و زندانی و کشتن فعالان محیط زیست، شانه خالی کردن از بار مسئولیت در این زمینه و بهانه تراشیدها نظیر اینکه بحران ریزگرد مقصر عراق است، بحران آب در جنوب بپای کشورهای حاشیه خلیج فارس است و در جنوب شرقی تقصیر افغانستان و در غرب تقصیر ترکیه، نه تنها از واقعیت این فجایع نمی‌کاهد بلکه هر روز اثرات ملموس آن و عدم داشتن راه حل از طرف حکومت نمایان تر می‌گردد.

مهاجرت پدیده ای بسیار پیچیده و در صورت عدم برنامه ریزی و

شورا مجمع عمومی سازمان یافته و منظم است!





نقض آشکار حقوق زنان است.

رفقای دانشجو؛ حجاب همان یوغی است که مهسا و مهسا هایمان را بواسطه آن چهار دهه است می کشند و به واسطه آن می خواهند جنبشی که یکی از محوریت های اصلی آن در هم کوبیدن آپارتاید جنسی، اسلام و قوانین آن از کلیت جامعه و دانشگاه است را زیر ضرب ببرند تا بتوانند برای عمر کوتاه این حکومت هار اسلامی وقت بخرند.

ذره ای کوتاهی و عقبگرد از مبارزه علیه حجاب اسلامی و قوانین و ایدئولوژی اسلامی تحمیل شده در دانشگاه به خطر انداختن جان چند صد دانشجو در زندان و تعدادی از دانشجویان مبارز بازداشت شده خیزش شهریور ۱۴۰۱ است که با احکام شنیع محاربه رویرو هستند.

رفقا؛ دوره دوره جنگ است و دانشگاه سنگر ماست، سنگریست که سالهای مدید در آن علی رغم سرکوب، تحمیل زندان، شکنجه و احکام شنیع و حتی تبعید نسل به نسل و سینه به سینه به حفظ این سنگر کوشیده ایم و به نقطه ای رسیده ایم که به حکومت بربریت اسلامی بگوئیم دیگر زمانتان به سر رسیده و این دانشجویان هستند که همراه با توده ها و طبقه کارگر این جرثومه اسلامی و سرمایه داری را به زیر خواهند کشید. در شرایط و دوره انقلابی به سر میبریم. رفقای چپ و برابری طلب دانشجویی، نباید ذره ای از انقلابی گری خود در فضای دانشگاه کوتاه ببینند، بلکه زمان مقابله و اعتراض و حتی تحسن و اعتراضات گسترده علیه حجاب اسلامی همه قوانین پوسیده اسلامی با در نظر گرفتن امکانات و تناسب قوای سیاسی و میدانی است.

فعالین جنبش رهایی زن و سایر فعالین خواهان لغو حجاب اسلامی و سرنگونی طلب و چپ باید در کنار دانشجویان علیه تحمیل حجاب اسلامی به دانشجویان دانشگاه تهران و سایر دانشگاهها اقداماتی متناسب با اوضاع در سطح کلان انجام دهند.

علیه تحمیل حجاب اسلامی بر دانشجویان، رادیکال ترین شکل ممکن اعتراضات و اکت های سیاسی و میدانی می تواند فشار بر جمهوری اسلامی بیاورد. در شرایط کنونی تشکل یابی دانشجویان برای مقابله متشکل و متحدتر علیه جمهوری اسلامی به هر نوع ممکن ضروری و میرمیت دارد. رزم دانشجویان و طبقه کارگر در برابر کلیت جمهوری اسلامی و هر آلترناتیو بورژوازی و استبداد است، اما قدم اول کوتاه کردن دست حکومت اسلامی از دانشگاه است. سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی تنها انتخاب درست دانشجویان، کارگران، زنان و جوانان برای پایان دادن به هر نوع ستم و تبعیض از جمله لغو آپارتاید جنسی است

دانشگاه سنگر آزادی و برابری طلبی است؛ این سنگر را باید حفظ کرد!

اول تیر ۱۴۰۲

کارگران و معلمان زندانی،

کلیه زندانیان سیاسی آزاد باید گردند!

## نه روسری نه توسری؛ آزادی و برابری!

دانشگاه سنگر آزادی است!

### امیر عسگری

دانشگاه و جنبش دانشجویی به عنوان عرصه ای از مبارزه رادیکال و چپ و تاثیرگذار در خیزش انقلابی شهریور ۱۴۰۱ خوب درخشید. علیه ارتجاع اسلامی با روسری سوزان و مقابله با انواع تبعیضات، آپارتاید جنسی و مذهبی، پس قتل مهسا امینی و به هر گونه آلترناتیو بورژوازی از بالای سر مردم و طبقه کارگر، با تبیین بیانیه ها، اکت ها و سر دادن شعارهای خود خط بطلان کشید و نشان دادند که این جنبش دیگر در برابر قوانین اسلامی و آپارتاید مذهبی گردن خم نخواهد کرد.

اعتراضات و اقتدار جنبش دانشجویی در چند ماه اخیر آنچنان پایه های پوسیده حکومت جانپان مفت خور اسلامی را به لرزه درآورد که خامنه ای گنایتکار را مجبور به واکنش در سالمرگ خمینی جلاذ از موضع استیصال و ضعف با ادبیات سخیفانه و اداری کرد. خامنه ای جلاذ بخش عظیم معترضین انقلابی را اراندل و اوباش و جوانان انقلابی را عوامل سرویس های اطلاعاتی دول غربی خوانده و به نوعی گله های بسیجی را به مقابله با جوانان خواهان خلاصی از ارتجاع اسلامی و قوانین آپارتاید جنسی-دینی در دانشگاه و کشور فراخواند. قدرت سراسری جنبش دانشجویی بر صورت سردمداران و عناصر حکومت هار اسلامی چنان ضربه ای وارد کرده که سرکوبگران راهی جز حمله ای دوباره به فضای این سنگر آزادی خواهی و برابری طلبی نمی بینند.

در پی فراخوان خامنه ای به مقابله با معترضین و انقلابیون مدیریت دانشگاه هنر تهران پیامکی مبتنی بر لزوم پوشیدن مقنعه از سوی دانشجویان دختر و تعلق از ادامه تحصیل در صورت عدم پیروی از این دستور ارسال کرد که با واکنش جنبش پیشرو دانشجویی و فعالین و مبارزین طبقه کارگر نیز روبرو شد. دانشجویان دانشگاه هنر بلافاصله پس از مطلع شدن این پیامک سخیفانه، ۲۴ خرداد ۱۴۰۲ در پردیس دانشگاه تهران دست به تحسن زدند. دانشجویان ۱۵ دانشگاه بیانیه اعتراضی در برابر رویکرد ارتجاعي حکومت اسلامی صادر کردند و دانشجویان متحصن حمایت کردند. حدود ۴۰ دانشگاه از جمله دانشکده هنر دانشگاه سوره تهران خواهان کوتاهی دست حکومت از زندگی شخصی و پوشش دانشجویان شدند. با دخالت حراست دانشگاه و کنترل دانشجویان خوابگاه دانشجویان دانشگاه تهران برای رعایت حجاب و ممانعت از خروج دانشجویانی که مقنعه بر سر ندارند، اعتراضات دانشجویان منسجمتر و در برابر خودکامگی حکومت بریران اسلامی تا این لحظه ادامه دارد.

فعالین جنبش طبقه کارگر از جمله تهیه کنندگان منشور آزادی، رفاه و برابری نیز از دانشجویان دانشگاه هنر تهران دفاع کرده و خواهان کوتاه شدن دست حکومت اسلامی از پوشش دانشجویان دختر شدند. مسئله فراتر از پوشیدن لباس و نوع لباس است، حجاب اسلامی به تنهایی با هر شکل و نوع آن زندان متحرک زنان و

نه به حجاب اسلامی، نه به آپارتاید جنسی!



به حافظان سرمایه باید گفت نفرین به جهانتان که جان ۷۵۰ نفر برایتان پیشیزی ارزش نداشت و اینچنین با "وجدان" راحت نظاره‌گر غرق شدن آنان بودید.

۱۱۱ سال از غرق شدن تاپتانک می گذرد هنوز که هنوز است از آن فیلم می سازند اما ۷۵۰ نفر بعد از یکی دو روز در زیر آوار سایر اخبار به فراموشی سپرده می شود.

تا این جهان وارونه بر قاعده‌اش گذاشته نشود بشریت از فجایع ضد انسانی جنگ و فقر و مرگ و میر ناشی از کوچ به امید زندگی بهتر، رها نخواهد شد. بشریت برای دنیایی بهتر به تحرک سازمانیافته میلیونی، به سازمان و حزب و بیرون آمدن از خلاصی از پراکندگی اکثریت خاموش نیازمند است.

سعید آرمان

۲۳ ژوئن ۲۰۲۳

دوم تیر ۱۴۰۲

## دو واقعه دریایی در فاصله کمتر از دو هفته

سعید آرمان

یک قایق ماهیگیری در بامداد ۱۴ ژوئن ۲۰۲۳ با ۷۵۰ سرنشین بیش از ۸ ساعت بر روی آبهای مدیترانه زیر نظر مرزبانان یونانی و کشتیهای مجهز که صد درصد قابل نجات بودند، عامدانه در دریا رها شدند و بیش از ۶۰۰ تن از آنان که قریب به یکصد کودک در میانشان بود، جان دادند. اینان جزو فقیرترینهای جوامع فقر زده و جنگ زده لیبی، سوریه، پاکستان و افغانستان و غیره بودند.

واقعه دوم، ناپدید شدن شناور دریایی تایتا بود که گردشگران مشتاق به دیدن لاشه کشتی تاپتانیک غرق شده در ۱۵ آوریل ۱۹۱۲ خفته در اعماق اقیانوس اطلس با پنج سرنشین و از میلیاردرها و یا ثروتمندان غربی و پاکستانی بودند. کشورهای قدرتمند جهان با پیشرفته ترین امکانات و تجهیزات و صرف میلیاردها دلار هزینه در تلاش بودند تا در ۳۸۰۰ متری اعماق اقیانوس نجاتشان دهند. اما موفق نشدند و متأسفانه طبق اخبار رسانه‌ها به دلیل فشار زیاد شناور مجالیه و منهدم شده و کلیه سرنشینان آن جان داده‌اند.

## اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

### حمله نظامی جمهوری اسلامی به کردستان را شدیداً محکوم می کنیم

به دنبال اعزام کاروانهای نظامی سپاه پاسداران رژیم جمهوری اسلامی به منطقه جنوب کردستان در چند روز گذشته، مناطق وسیعی از بخش کوهستانی کوسالان در کردستان با پهپادهای جنگی رژیم مورد حمله قرار گرفته است. روز ۱۶ ژوئن یک کاروان نظامی شامل ادوات سنگین سپاه پاسداران در اطراف سروآباد بطور متوالی چند روستا و از جمله ارتفاعات کوهستان شاهو را توپ باران کرد. ظهر همان روز نیز کاروان نظامی سپاه همراه با چندین دستگاه بولدوزر به سوی این منطقه حرکت کرده و در بلندیهایی آنجا مستقر شده اند. اخبار دستگیری و اذیت و آزار مردم توسط نیروهای سپاه پاسداران روزانه منتشر می‌شود و رژیم حکومت نظامی اعلام نشده در شهرها و روستاها و به ویژه در مناطق مرزی کردستان برقرار کرده است.

جمهوری اسلامی به بهانه‌های مختلف از جمله کنترل فعالیت نیروهای سیاسی کرد در منطقه، روزانه به سرکوب مبارزات جنبشهای اجتماعی و کارگران و مردم زحمتکش کردستان دست می‌زند اما نمیتوان صدای آزادیخواهانه و اعتراضات آنان را خاموش سازد. دیدیم که روز سه شنبه ۲۳ خرداد مردم مبارز سفر در اعتراض به اقدام رژیم در ایجاد تغییراتی در اطراف آرامگاه "مهسا ژینا امینی"، با بستن مغازه ها و دست از کار کشیدن یک اعتصاب عمومی را در شهر پیش بردند و به رژیم اسلامی اخطار دادند که در مقابل تعرضات رژیم کوتاه نخواهند آمد.

اخبار این تحرکات زبان آور و حملات نظامی رژیم هر انسان آزاده و مبارزی را به تلاش برای مقابله با رژیم و همبستگی با مردم در کردستان واداشته است. پایان دادن به عمر این رژیم ننگین از طریق انقلاب و قیام همگانی همچنان خواست مبرم جنبشهای اجتماعی چون کارگران، زنان و جوانان بوده که عزم و اراده آنها را در تقابل با جمهوری اسلامی چند برابر کرده است. این در حالیست که جریانات ناسیونالیست عظمت طلب ایرانی در مقابل همه این جنایات آشکارا سکوت کرده اند.

شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست حرکات نظامی، بمبارانهای رژیم و اذیت و آزار مردم کردستان را شدیداً محکوم میکند و خود را در کنار مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه مردم کردستان می بیند. همگام با مردم کردستان و در پیوند با مبارزات سراسری به مبارزات خود علیه کلیت حکومت اسلامی سرمایه تا سرنگونی انقلابی این رژیم ضد انسانی ادامه خواهد داد.

سرنگون باد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی

زنده باد آزادی، زنده باد سوسیالیسم

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت.

28 خرداد ۱۴۰۲

**مرگ بر سرمایه داری!**

## یادداشت ها

سیاوش دانشور

## در باره افتضاح جدید سازمان زحمتکشان

حمله مسلحانه به دوستان دیروز و قتل دو جوان و زخمی شدن تعدادی دیگر، قبل از هر چیز نمایانگر ظرفیتهای باند سیاسی سازمان زحمتکشان است. اینها بلدند در مقابل دوربینها از "دمکراسیخواهی" بگویند، اما در اردوگاه شان با زبان گلوله با هم صحبت می کنند. حقیقت شان همین دومی است. وقتی این جریان طی یک کودتا از کومله جدا شد و سیاستش را بر نفرت پراکنی قومی و ناسیونالیسم فالانژ بنا کرد، ما هشدار دادیم که این یک جریان سیاسی نیست و نباید بعنوان سازمان سیاسی برسمیت شناخت. گفتیم این یک باند است که با سواستفاده از نام کومله دست راستی ترین سیاستها را میخواد پیش ببرد. امروز بسیاری در اردوی ناسیونالیسم کرد به این حقیقت اذعان می کنند که زحمتکشان یک جریان سیاسی نیست. جنایت جدید در منش و روش ضد انسانی و مافیایی این جریان ریشه دارد.

سیاست میانجی گری در میان شاخه های این باند، مستقل از هر نیتی، بدو اینها را بعنوان "جریان سیاسی" برسمیت می شناسد و سپس "درس فرهنگ سیاسی و رعایت اصول" میدهد. این توصیه ها را میشود به هر جریان سیاسی اعم از چپ یا راست کرد اما به بلاک واتر و دستجاتی که حاضر به هر کاری اند نه! شما نمیتوانید به مافیا بگویند مافیائی عمل نکن! مهمتر اینکه در این سازمان "اشتباهی" که به تصادم منجر شده باشد رخ نداده است. این روش کار آنهاست و بارها به طرق مختلف چه علیه مخالفین سیاسی بیرون خود و چه حتی در جلسات خودشان علیه هم دست به چنین اقداماتی زده اند. سیاست درست کم کردن خطر اینها از سر راه مبارزه آزادیخواهانه در جامعه است.

این یک جریان مزاحم است که اگر تفنگ و پولش را تامین کنند فردا میتواند علیه هر شورا و هر نهاد و سازمان و حزبی دست به ترور بزند. بهترین کار برای کسانی که اسیر این سازمانند اینست که صف شان را ترک کنند و خود را بیش از این شریک جنایت و توطئه های ضد انسانی و منافع و رقابت سران این جریان نکنند. مسئولیت کل این واقعه بعهد سران و رهبری این جریان است.

۲۲ ژوئن ۲۰۲۳

## در باره حمله پلیس آلبانی به مقر مجاهدین

حمله امروز پلیس آلبانی به محل استقرار نیروهای مجاهدین در تیرانا، ادامه حمله به نیروهای اپوزیسیون مستقر در کردستان عراق، ادامه مبادله زندانیان توسط دول اروپائی و آمریکا و تحویل تروریست ها به رژیم است. این برگی دیگر از بند و بست دولتهای غربی با جمهوری اسلامی است.

بدون تردید این سیاستهای ارتجاعی به نیروهای مستقر در مرزها و مجاهدین محدود نخواهد شد. نیروهای اپوزیسیون، مستقل از دوری و نزدیکی شان با جریانات مورد تهاجم قرار گرفته، ضروری است به

این تلاشهای ارتجاعی واکنش نشان دهند و آنرا محکوم کنند.

از نظر ما هر سیاستی که به رژیم اسلامی خدمت میکند قویاً محکوم است. تکلیف جمهوری جهالت اسلامی در داخل کشور تعیین میشود و این تمهیدات و بند و بست ها نمیتواند رژیم فرسوده و پوسیده اسلامی را نجات دهد.

۲۰ ژوئن ۲۰۲۳

حمایت های پرشور از دانشجویان دانشگاه هنر  
اقدامی عملی و دستجمعی لازم است

بدنبال سرکوب دانشجویان دانشگاه هنر، تعلیق و بازداشت و ربودن ها، نظامی کردن محیط دانشگاه برای تحمیل قواعد اسلامی و آپارتاید جنسی، دانشجویان در دانشگاه های مختلف کشور واکنش نشان دادند.

تاکنون «جمعی از دانشجویان دانشگاه مازندران، جمعی از دانشجویان دانشگاه بهشتی، دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد، دانشجویان دانشگاه علامه، دانشجویان دانشگاه علم و صنعت، دانشجویان دانشگاه خواجه نصیر تهران، جمعی از دانشجویان دانشگاه هنر و معماری پارس، دانشجویان دانشگاه علوم توان بخشی و سلامت اجتماعی، دانشجویان دانشگاه هنر اصفهان» در همبستگی با دانشجویان دانشگاه هنر تهران طی بیانیه های جداگانه ای علیه سرکوب سخن گفتند و از دانشجویان هنر حمایت کردند.

دستتان درد نکند. این همبستگی مبارزاتی و اتحاد بسیار شورانگیز است. اما کافی نیست. اقدامی عملی یا ابتکاراتی که این همبستگی مبارزاتی را بنمایش بگذارد و بار را از روی دوش دانشجویان هنر تهران کم کند، ضروری و فوری است.

در آستانه تعطیلی تابستان هستیم. اجازه ندهیم که این دور بازی را بنفع خودشان با ضرب و شتم و بازداشت و تعلیق و تهدید دانشجویان به پایان برسانند. اینها مقدمات بعد از تابستان و تسری یک اختناق در دانشگاه ها و مراکز آموزشی و کل جامعه است.

هنوز دیر نشده است. قواعد و قوانین تحمیلی را قبول نداریم. جداسازی جنسیتی نمیخواهیم. دانشگاه پادگان نیست. نیروهای انتظامی و حراست حق ندارند در دانشگاه ها جولان دهند و ارباب ایجاد کنند. احکام تعلیق باید لغو شود. دوستان و همکلاسی های ما باید فوراً آزاد شوند. حرف دانشجوی هنر حرف همه ماست. شهادت و استقامت شان را ارج نهیم و در هر دانشگاه به یاری شان برخیزیم!

#دانشگاه هنر

#نه روسری نه تسری آزادی و برابری

#جمهوری اسلامی نمیخوایم

۱۸ ژوئن ۲۰۲۳

\*\*\*

مرگ بر جمهوری اسلامی!



## ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی

تهیه و تنظیم: سپیده امیرعسگری و آرش کلهر

اعلامیه خبری

اعتراضات کارگری؛

کارگران پیمانی نفت جنوب، کارگران ایران خودرو

۱ تیر ۱۴۰۲ - ۲۲ ژوئن

۲۰۲۳

تداوم اعتراضات مردم زاهدان

روز جمعه ۲۶ خرداد ماه، مردم زاهدان طبق روال جمع‌های اعتراضی به رغم جو شدید امنیتی در شهر مجدداً دست به تظاهرات و سر دادن شعارهای سرنگونی طلبانه زدند. گزارش‌ها از زاهدان، حاکی از اختلال گسترده اینترنت و حضور سنگین نیروهای امنیتی در شهر بود.

بیانیه‌ی جمعی از دانشجویان دانشگاه هنر تهران

هیچ حرفی با شما نداریم الا یک کلمه: نه!

این آسمان حتی بعد از تمام ستاره‌هایی که هر روز به زمین کشیده‌اید، هنوز غرق ستاره‌ست. مدتی پیش ورقه‌ی آهنی بزرگی به در ورودی دانشکده کارپردی جوش دادید که کاملاً درون دانشگاه را از خیابان مخفی می‌کرد؛ کمی بعدتر اتفاقاً رنگش هم کردید که یک وقت زشت نباشد. لابد آن موقع با خودتان فکر کردید دانشجوی که زیر بار ممنوع‌الورودی و تعلیق و هزار حکم ناروای دیگر از بیدادگانه‌ها له شده، این هم تیر آخر است؛ فکر کردید حالا دیگر دانشگاه مُرده و از خیابان‌های اطرافش جداست.

میان ما و شما دریایی خون فاصله است، ما، که حالا نزدیک یک سالی می‌شود که «ما» شده‌ایم، هیچ حرفی با شما نداریم الا یک کلمه: نه. پس از تاکید دوباره‌تان بر آپارتاید جنسیتی و الزام حضور در دانشگاه با مقنعه، پس از بستن آب و خشونت بر دوستان‌مان که تنها در جهت برابری در پردیس باغ ملی تحصن کرده بودند، ما هم دوباره تاکید می‌کنیم که چیزی به عقب بر نمی‌گردد.

این آسمان حتی بعد از تمام ستاره‌هایی که هر روز به زمین کشیده‌اید، هنوز غرق ستاره‌ست. از زخمی که شهریور دهن باز کرد هنوز خون می‌چکد. و ما ایستاده‌ایم، دست در دست هم، برای آزادی. دانشجویان دانشگاه هنر

بیانیه‌ی جمعی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه هنر در حمایت از دانشجویان این دانشگاه

دانشجویان عزیز دانشگاه هنر

روزهایی که زیر تیغ سرکوب و تهدیدهای بی‌سابقه، پیام زیبای زن، زندگی، آزادی را تصویر می‌کردید، در آسمان آزادی‌خواهی درخشیدید و نوری شدید که امروز پیام‌آوران تاریکی، سراسیمه در پی انتقام از آن افتاده‌اند. آن ساکن دفتر ریاست دانشگاه و بزرگترهایش، هیچ‌گاه دانشجویان دانشگاه هنر را نشناختند و نفهمیدند این میراث‌داران مسیر آزادی‌خواهی و حقیقت‌طلبی، مقابل زورگویی سر خم نمی‌کنند. می‌ایستند، سنگر به پیش می‌برند و در خط مقدم می‌درخشند.

اکنون ما دانشجویان سال‌های پیش دانشگاه هنر به شما ستاره‌های درخشان تاریخ این دانشگاه اعلام می‌کنیم، ایجاد فضای امنیتی و جوش دادن ورق آهنی به در، بین ما فاصله نخواهد انداخت و شما همسنگران تنها نخواهید ایستاد. امروز وظیفه‌ی ماست که

صفحه ۱۳

بنا به خبر دریافتی، مبارزات کارگران پیمانی نفت جنوب ادامه دارد. سایت ۱ پتروشیمی بوشهر با تمام تکاپویی که مدیریت، سرپرستان و پیمانکاران به عمل آورده اند هنوز به طور کامل نتوانسته است نیروهایش را کامل کند و کارگران به ویژه در بخش پاپینگ به سرکار نیامده اند. استادکاران، فیتزها، جوشکاران، مونتاژکاران نه تنها ۲۰/۱۰ را بطور کامل با ۸ ساعت کار می‌خواهند بلکه ۷۹ درصد افزایش حقوق خود را که به ۷۰ میلیون بالغ می‌شود را نیز بدون کم و کاست خواستارند. هرچند که تلاش مدیریت و سرپرستان در جذب نیروهای حرفه‌ای به بن بست خورده است اما در دیگر مشاغل مانند کمکی‌ها، رنگ و عایق، داربست بند، آرماتوربند که نیروهای پشتیبانی هستند موفق بوده اند اما این نیروها در حقیقت پیش برنده کار در پروژه‌ها نیستند.

شرکت مشارکت و پیمانکارانش همچون استیم، چگالش، انرژیمی، راکی جوشکاران و فیتزهای درجه ۲ و کمکی‌ها را که با وعده ۷۹ درصد به کار دعوت کرده بودند در یک چرخش دغل کارانه تنها ۵۰ درصد به حقوق‌ها اضافه نموده اند که بخش زیادی از کارگران باز هم به خانه برگشته اند و عده قلیلی به کار مشغولند. حتا کار به جایی رسیده است که فورمن‌ها هم که شرایط و دروغ‌گویی را مشاهده کرده اند دست از کار کشیده و محل کار را ترک کرده اند. شرکت مشارکت با دفتر کیوسی و عوامل حراست با ۴۰ درصد توافق کرده اما افسران ایمنی زیربار نرفته و از امضا خودداری کرده اند. تلاش‌ها برای ترساندن نیروها با "اگر امضا نکنید تسویه حساب می‌شوید" هم ثمربخش نبوده است چرا که افسران ایمنی از امضا نمودن پریمیت‌ها خودداری کرده اند تا پاسخ دندان شکنی به مدیران داده باشند. داربست بندها به پیمانکاری علی پاکزاد است که با فقط ۲۰ نیرو در این پروژه شاغلند نیز به حقوق‌های ۲۰ میلیونی موافقت نکرده و قرارداد نیسته اند.

اعتراض کارگران ایران خودرو به وضعیت بد غذا

در اواخر خرداد ماه کارگران انبار ۱۶ شیفت دوم، در یک حرکت اعتراضی غذای خود را دور ریختند. کیفیت غذا بسیار بد است و بارها کارگران در این مورد به مدیریت هشدار داده بودند. اما اینبار حوصله کارگران سر رفت و ۲۷ پرس غذا دور ریخته شد.

نبود هیچ تشکل کارگری که به داد کارگران برسد باعث شده کارگران وقتی از هشدارهایشان نتیجه نمی‌گیرند دست به اینگونه اعتراضات بزنند. "نمایندگان کارگری" که در این شرکت برگمارده میشوند جز بله قربان‌گویی کار دیگری نمی‌کنند.

حزب کمونست کارگری ایران - حکمتیست

کارگر، معلم پیاخیز، برای رفع تبعیض!

## ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی ...

اوباشان اسلامی حاکم بر جامعه ایران، همین مصطفایی زندانی سیاسی را صبح روز ۳۱ خرداد ۱۴۰۲ برای زهر چشم گرفتن از خیزش انقلابی مردم اعدام کردند. شب قبل مردم سنج و جمعیت زیادی که از میروان به سنج رفته بودند در مقابل زندان مرکزی سنج تجمع کرده و تا آخرین لحظه تمام تلاش خود را کردند که همین مصطفایی را از اعدام نجات دهند. اما سران جنایتکار رژیم اسلامی ادامه حاکمیت ننگین خود را در فعال کردن ماشین اعدام میدانند. علیرغم تجمع اعتراضی مردم همین مصطفایی را نه بدیلی کاری که کرده بود بلکه برای انتقام از اعتراضات انقلابی ۹ ماهه گذشته مردم اعدام کردند. همین مصطفایی، پس از ده سال زندان، شکنجه در زندان سنج اعدام کردند.

ما در برنامه جامعه و کارگران، ضمن ابراز همدردی و تسلیت به خانواده، بستگان و دوستان همین مصطفایی اعلام میکنیم، ماشین اعدام فرسودتر از آن است که بتواند عمر رژیم اسلامی را از محاصره اعتراضات انقلابی کارگران، زنان، فرهنگیان، بازنشستگان و دانشجویان نجات دهد. خیزش انقلابی جاری اعدام همین مصطفایی را جنایتی دیگر بر پرونده ظور پر از جنایت سران رژیم اسلامی میدانند و روزی در دادگاه‌های علنی باید جوابگوی همه این جنایتها باشند!

**رای بدوی دادگاه اسلامی شیراز برای ۸ نفر از معلمان**  
دادگاه اسلامی شیراز در بیستم خرداد برای اعضای انجمن صنفی فرهنگیان فارس احکام زیر را صادر و به این معلمان ابلاغ کرد:

عبدالرزاق امیری / دو سال زندان با پابند. زهرا اسفندیاری / دو سال زندان با پابند. ایرج رهنما / پنج سال حکم تعزیری. افشین رزمجویی / پنج سال حکم تعزیری. مژگان باقری / پنج سال حکم تعزیری. غلامرضا غلامی / پنج سال حکم تعزیری. محمدعلی زحمتکش / پنج سال حکم تعزیری. اصغر امیرزادگان / پنج سال حکم تعزیری.

**۲۱ نفر از دانشجویان دانشگاه بهشتی از امتحانات پایان ترم محروم شده اند**

دانشگاه بهشتی ۲۱ نفر از دانشجویان را با دو بهانه شرکت در تجمع شنبه ۳۰ اردیبهشت و تن ندادن به حجاب اجباری در جلسه امتحان از ادامه امتحانات محروم کرد. پیش از این با نصب غیرمنتظره مصوبه وزارت علوم مبنی بر محرومیت دانشجویان به گفته آن‌ها «بدحجاب» از امتحانات پایان ترم، ریاست دانشکده اقتصاد و علوم سیاسی دکتر حسین صمصامی برگه یکی از دانشجویان را پاره کرده و نام او را به کمیته انضباطی گزارش داده بود. اکنون با گذشت دو هفته از امتحانات بر لیست دانشجویان محروم از امتحان افزوده شده و تعدادی نیز پس از احکام انضباطی و ورود نهادهای امنیتی به تجمع ۳۰ اردیبهشت، با ممنوعیت از حضور در جلسه امتحان مواجه شده‌اند.

**اعتراض کارگران فروشگاه‌های H&M در اسپانیا به حقوق کم**  
کارگران فروشگاه‌های زنجیره‌ای H&M خواستار دستمزد بیشتر و حجم کاری کمتر هستند. به گزارش خبرگزاری رویترز، صدها نفر از کارگران فروشگاه‌های زنجیره‌ای H&M روز سه‌شنبه در مقابل یکی از فروشگاه‌های این شرکت سوئدی بزرگ در مرکز مادرید تجمع کرده و به عدم افزایش مزد خود اعتراض کردند. کارگران فروشگاه‌های زنجیره‌ای H&M در این اجتماع خواستار دستمزد بیشتر و حجم کاری کمتر شدند و فروشگاه را مجبور کردند برای چند ساعت کار را تعطیل کند.

حدود ۴۰۰۰ فروشنده نیز قصد دارند در ۲۲ ژوئن و ۲۶

صفحه ۱۴

اعلام کنیم تمام قد پشت شما می‌ایستیم و دوشادوستان «نه می‌گوییم» «ما» بی که هسته‌ی اولیه‌ی آن را شکل دادید و تحت تهدید و ضرب و شتم حاضر به شکستش نشدید، بزرگتر از آن است که در مخپله‌ی مستبدان کوچک و بزرگ بگنجد.

اگر لازم باشد برای دفاع از ستاره‌های درخشانمان مقابل درهای این سنگر قدیمی زنجیر می‌شویم و ثابت خواهیم کرد که هیچ چیز به عقب برنمی‌گردد. اراده‌ی این «ما» «بزرگتر از توان دشمنانش شده و ما ایستاده‌ایم دست در دست هم برای آزادی!

### ردگذشت یک کارگر به دلیل سقوط از ارتفاع

روز پنج‌شنبه ۲۵ خردادماه ۱۴۰۲، یک کارگر به نام فخرالدین میکائیلی اهل روستای «بالانج» از توابع ارومیه حین کار در یک ساختمان بر اثر سقوط از داربست جان خود را از دست داد. این کارگر ساختمانی متأهل و پدر سه فرزند بود. سازمان پزشکی قانونی ایران اخیراً شمار کارگرانی که در سال ۱۴۰۱ در حوادث کاری کشته شدند را ۱۹۰۰ تن اعلام کرد. بر پایه این آمار، روزانه بیش از پنج کارگر جان خود را در اثر حوادث کار از دست می‌دهند.

### مرگ و مصدومیت ۳ کارگر در حادثه انفجار تانکر سوخت

در پی انفجار تانکر سوخت در یک کارگاه تانکرسازی در کرمان یک کارگر کشته و ۲ کارگر دیگر مصدوم شدند. حوالی ظهر ۲۹ خرداد ماه در پی انفجار تانکر سوخت در یک کارگاه تانکرسازی واقع در بلوار شهید صدوقی کرمان، یک کارگر کشته و دو کارگر دیگر مصدوم شدند. این حادثه بدنبال تجمع گاز و بخارات حاصل از مواد سوختی باقی مانده در این تانکر و در نهایت انفجار بر اثر گرما ناشی از فرزکاری و جوشکاری رخ داده است.

### تجمع اعتراضی بازنشستگان در استان‌ها

روزی‌کشنبه ۲۸ خردادماه بازنشستگان و مستمری‌بگیران تأمین اجتماعی شوش، شوشتر، اهواز، کارگران بازنشسته اهواز، هفت‌تپه و کرمانشاه در اعتراض به وضعیت نامناسب معیشتی و عدم رسیدگی به مشکلاتشان مجدداً دست به تجمع زدند.

### تجمع اعتراضی بازنشستگان مخابرات

روزدوشنبه ۲۹ خرداد ماه جمعی از بازنشستگان منطقه مخابراتی خراسان رضوی، خراسان شمالی رشت، مشهد، ایلام، لرستان، آذربایجانغربی، اراک، شهرکرد، بندرعباس و اهواز در اعتراض به اجرا نشدن آیین نامه استخدامی و رفاهی ۱۳۸۹ و پایمال شدن حقوق خود مجدداً مقابل ساختمان شرکت مخابرات این استانها دست به تجمع زدند.

### تجمع اعتراضی بازنشستگان فرهنگی

روز چهارشنبه ۳۱ خرداد ۱۴۰۲، گروهی از فرهنگیان استان یزد، کرمانشاه، اردبیل، شیراز مقابل صندوق بازنشستگی کشوری - در راستای پیگیری اجرای قانون همسان سازی حقوق بازنشستگان (اجرای ماده ۳۰ برنامه ششم توسعه) تجمع اعتراضی برگزار کردند.

**رژیم جنایتکار اسلامی همین مصطفایی را اعدام کرد!**

## ستون اخبار کارگری و حرکت‌های اعتراضی ...

ژوئن، درست زمانی که فصل فروش تابستانی آغاز می‌شود، به دعوت دو اتحادیه بزرگ اسپانیایی CCOO و UGT اسپانیا اعتصاب کنند. کارگران گفتند که پس از ناکامی در رسیدن به توافق دستمزد با مدیریت پس از ماه‌ها مذاکره تصمیم به اعتصاب گرفتند و آخرین جلسه روز دوشنبه ۱۲ ساعت به طول انجامید. پرسنل فروشگاه‌ها ادعا کردند که H&M بسیار کمتر از رقبای اصلی خود، مانند المارت، ایندیتکس و زارا مزد پرداخت کرده است. سانتیاگو سانزا، کارگر ۴۲ ساله مغازه که در اعتراض مادرید شرکت کرده است، گفت: کارگران آج و ام در اسپانیا کمتر از ۱۰۰۰ یورو در ماه درآمد دارند که این بسیار درآمد پایینی محسوب می‌شود. او افزود: اکثر کارکنان به صورت پاره وقت، حدود ۲۴ ساعت در هفته کار می‌کردند، بنابراین حقوق کمتری دریافت می‌کردند. سانزا گفت: ما باید دستمزدها را به میزان قابل توجهی افزایش دهیم. کارگران مغازه در مادرید همچنین از ساعات کاری بیش از حد در فروشگاه‌ها شکایت کردند و گفتند که کارمندان مجبور شدند بدون هیچ گونه پرداخت اضافه کار یا حمایت اضافی، ساعات خالی کار همکاران خود را در مرخصی پزشکی یا استعلاجی خود پوشش دهند.

معترضان تابلوهایی را حمل می‌کردند که بر روی آن‌ها نوشته شده بود: «دیگر حقوق با تخفیف وجود ندارد» و «کاری که سه کارگر انجام می‌دهند، توسط یک نفر انجام می‌شود.» H&M از اظهار نظر در مورد خواسته‌های کارگران خودداری کرد اما صرفاً اعلام کرده است: به حقوق کارکنان و کارگران مجموعه برای ابراز آزادانه نظر احترام می‌گذارد. در اوایل سال جاری، فروشگاه زنجیره‌ای دیگر کل اسپانیا به نام ایندیتکس با افزایش ۲۰ درصدی متوسط دستمزد کارگران مغازه در بازار خانگی خود در اسپانیا در پاسخ به درخواست کارگران برای دستمزد بیشتر برای جبران افزایش قیمت‌های مصرف‌کننده موافقت کرد. اینارا کورتز، فروشنده ۳۸ ساله، که ۱۶ سال است در H&M کار می‌کند، گفت: افزایش Inditex ما را به دنبال دستمزدهای بهتر سوق داده است. بر اساس گزارش سالانه این شرکت برای سال ۲۰۲۲، اسپانیا ۳/۷ درصد نیروی کار فعال کشور در بخش خدماتی متعلق به فروشگاه‌ها است. همچنین از ۱۰۰ هزار نیروی کار H&M در سراسر جهان را به خود اختصاص داده است که ۷۵ درصد آن‌ها زن هستند. این فروشگاه لباس بیش از ۱۰۰۰۰۰۰ کارمند فروشگاه زنجیره‌ای دارد که هر کدام در بازار اصلی خود، یعنی ایالات متحده آمریکا، و کشور اصلی خود یعنی پادشاهی سوئد، مشغول به کار هستند.

\*\*\*

### مبارزه با مذهب



دروغ تحویل مردم می‌دهند. مردم را می‌ترسانند. مردم را در این دنیا از خشونت می‌ترسانند و در آن دنیا از عقوبت. این درست مثل مافیا است.

نهاد مذهبی چه مسیحی باشد چه اسلامی چه یهودست، قیل از اینکه مجم. عه ای از باورهای اجتماعی باشد، یک ساختمان و عمارت بزرگ اجتماعی است که روی پای خودش ایستاده، مالیات می‌گیرد، پول می‌گیرد و خرج بقا و حاکمیت خودش می‌کند.

در نتیجه صنایع دینی پدیده عظیمی در دنیا است. اگر پولی که خرج اسلامی میشود را کنار هم بگذارید می‌بینید با ثروت بزرگترین کمپانی‌های بین‌المللی قابل مقایسه است. قابل مقایسه است با هزینه نظامی دهها کشور رویهمرفته. در نتیجه باید مثل یک صنعت به آن نگاه کرد که آگاهانه سعی می‌کنند محصولش را بفروشند. سعی می‌کنند بازار را به خودش اختصاص بدهد. سعی می‌کند مصرف‌کنندگان را به خودش معنادار کند. جامعه ای که می‌خواهد خودش را آزاد کند باید با همین عنوان به مذهب روبرو شود. فکر نکند که این مجموعه باور به خر دجال و گریه بخاطر کربلاست.

این یک صنعت عظیم خرافه پراکنی، ارباب مردم و به تمکین و تسلیم کشیدن مردم در مقابل قدرت طبقاتی حاکم است.

و اگر شما یک جامعه آزاد می‌خواهید باید پول خرج کنید، نیرو بگذارید، نیروی انسانی اختصاص بدهید برای اینکه با این پدیده مقابله کنید. همانطور که با باتدهای مواد مخدر مقابله می‌کنید. همانطور که با کمپانی‌های سودجویی مقابله می‌کنید که می‌زدند و می‌برند و جای خودشان ویرانه بجا می‌گذارند. با صنعت مذهب هم باید به همین صورت مقابله کرد.

منصور حکمت: کمونست هفتگی شماره ۳۶۸. در باره مبارزه با مذهب (صفحه ۱۰)

«... نیروهایی که حکومت اسلامی را بزیر میکشند زیر بار یک رهبری واحد نخواهند رفت.

این بار خامی و خوشبختی انقلاب ۵۷ را نخواهیم دید. جنبش سرنگونی‌طلب اینبار به مراتب تحزب یافته‌تر خواهد بود. احزاب و نیروهای سرنگونی‌طلب در عین تنش حاد با یکدیگر وارد این جدال میشوند.

اینها آلترناتیو حکومتی واحدی را تمییزند. همه نیروها سقوط رژیم اسلامی را به مثابه گامی برای ایجاد نظام سیاسی مطلوب خود نگاه میکنند. و جدال واقعی میان این آلترناتیوها و افق‌ها، میان جنبشهای طبقاتی و پرچمهای حزبی مختلف با پیشروی جنبش سرنگونی‌طلبی بیشتر اوج می‌گیرد.

بنظر من با سرنگونی رژیم اسلامی، جنبش توده‌ای بشدت در درون خود پلاریزه میشود. صفتی جدیدی، له و علیه پرچم کارگری- کمونستی در جامعه پدیدار میشود. ما درصاف مقدم جنبش سرنگونی‌طلبی در این میدان حضور پیدا میکنیم، اما نگاهمان به آنجاست. به انقلاب کارگری...

« منصور حکمت »

کانال تلگرامی یک دنیای بهتر



زنده باد همبستگی جهانی کارگران!

آدرسهای تماس با حزب  
کمونیسٹ کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب  
پروین کابلی

[daftaremarkzy@gmail.com](mailto:daftaremarkzy@gmail.com)

رئیس دفتر سیاسی  
سیاوش دانشور

[siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

دبیر کمیته مرکزی  
ناصر مرادی

[moradi.naser@gmail.com](mailto:moradi.naser@gmail.com)

دبیر کمیته سازمانده  
رحمان حسین زاده

[hosienzade.r@gmail.com](mailto:hosienzade.r@gmail.com)

دبیر کمیته کردستان  
صالح سرداری

[sale.sardari@gmail.com](mailto:sale.sardari@gmail.com)

دبیر تشکیلات خارج  
نادر شریفی

[sharifi.nader@gmail.com](mailto:sharifi.nader@gmail.com)

دبیر اجرایی  
همایون گدازگر

[Homayon\\_1954@yahoo.de](mailto:Homayon_1954@yahoo.de)

**PARLOW TV**  
تلویزیون پرتو  
رسانه تصویری حزب حکمتیست  
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیسٹ کارگری - حکمتیست  
را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو شورایی دنبال کنید و به  
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:  
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،  
سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :

هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰

تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

### زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه  
ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا  
ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونیسٹ کارگری ایران - حکمتیست

سردبیر: سعید یگانه

[saidyegan@gmail.com](mailto:saidyegan@gmail.com)

برای کمونیسٹ مقاله میفرستید:

اگر  
منفصلی  
کمونیسٹ

سردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونیسٹ تنها مقالاتی را منتشر میکند که  
برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیسٹ  
کارگری - حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آترناتیو  
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی  
کنید. آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!